



زمینه‌های خواست ملی و بین‌المللی حفاظت از ماهیان خاویاری

(جایگاه رای وحدت رویه شماره ۶۳۲ دیوان عالی کشور)

حسن محسنی^{*۱}

۱- دانشیار گروه حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۱۱

تاریخ ارسال: ۱۳۹۹/۰۳/۲۰

چکیده

حقوق حفاظت ماهیان خاویاری نه یک حقوق ملی تمام عیار و نه یک پدیده حقوقی ناب است. این حقوق با داده‌های پژوهشی و علمی که دانشمندان علوم شیلات و محیط زیست فرا رو می‌نهند، گره خورده و سه پایه‌ای ساخته است که اتکا به هر پایه به تنهایی بسنده نیست. از سوی دیگر، چشم‌داشت‌های بین‌المللی در حقوق کنوانسیون و الزامات حفاظت جهانی، عامل دیگری است برای گسترش نگاه حمایتی شدیدتر به این جانوران ارزشمند. چنین است که با ملی شدن شیلات در کشور ما از یکسو، و رشد انتظار از دریای خزر برای رفع فقر، توسعه تجارت، رشد صنایع نفت و گاز و به طور کلی، افزایش قدرت و توانایی تصرف بشر در طبیعت این دریا و آلودگی بی‌مرز کرانه‌ها از سوی دیگر، پژوهش‌های ملی و اقدامات بین‌المللی برای حفظ و نجات این جانوران ارزشمند اهمیت یافته است. همچنین، مقنن ایرانی خود را در وضعیتی دیده که باید با اقتصادی تلقی کردن بزه صید غیرمجاز ماهیان خاویاری، گامی جدی‌تر برای قطع نمودن دست‌های پیدا و پنهان نابودی این جانوران بردارد و با تجارت سیاه آن مقابله کند. این نگرش و گرایش به باور نگارنده با صدور رای وحدت رویه شماره ۶۳۲ هیات عمومی دیوان عالی کشور، نیرومندتر شده است. برآیند این پژوهش این است که گرچه اینک به درستی بزه صید غیرمجاز این ماهیان جرمی اقتصادی و قاچاق است، ولی، مواجهه حقوق ملی و بین‌المللی با این بزه و تجارت، به ویژه الزامات نهادهای بین‌المللی مانند «اتحادیه بین‌المللی حفاظت طبیعت» و «کنوانسیون تجارت بین‌المللی گونه‌های حیوانات و گیاهان وحشی که در معرض نابودی قرار دارند»، بی‌توجه به داده‌های دانشمندان علوم شیلات و محیط زیست هر کناره و منطقه، کارآمد و کارگر نیست. رای عالی‌ترین مرجع قضایی به عنوان نمود بارز نوع نگرش محلی که درباره انواع برخورد خفیف و شدید در قوانین صادر شده، با توجه به الزامات بین‌المللی، در این جا پراهمیت است. می‌شود گفت که اراده سیاسی قانونگذاران و تصمیم‌سازان ایرانی تا اندازه‌ای به ابعاد ملی، بین‌المللی، داده‌های دانش شیلات و نگاه حفاظت گونه، پاسداری از محیط زیست و زیستگاههای طبیعی، مبارزه با آلودگی و نگرش اقتصادی به صید و تجارت سیاه این ماهیان، توجه داشته است که همگی نشان می‌دهد حمایت از این ماهیان نیاز به سیاست همه جانبه حقوقی، قضایی، ملی، بین‌المللی و علمی دارد.

کلمات کلیدی: انقراض، آلودگی، صید غیرمجاز، حقوق ملی، بین‌المللی، دریای خزر، ماهیان خاویاری.



Grounds of National and International Demand for Strogen Caviar Fishes in Caspian Sea (The Place of Unification Judgment No 632 of Supreme Court)

Hassan Mohseni^{1*}

1-Associate Professor, Private & amp; Islamic Law, Faculty of Law and Political Sciences, University of Tehran, province of Tehran, Iran

Received: 01-Jul-2020

Accepted: 10-Jun-2020

Abstract

Law of Sturgeon Caviar protection are neither a full-fledged national Law nor a purely legal matter. These Law are tied to Research and Scientific Data proposed by fisheries and environmental scientists, and are built on three pillars, each of which alone is not enough to rely on. On the other hand, International Perspectives on Conventional Law are another factor in expanding the protection of these valuable animals. Thus, with the nationalization of fisheries in our country on the one hand, and the growth of expectations from this sea to alleviate poverty and expanding the trade and oil and gas exploitation industries and in general, increase of the power and ability to capture and have possession on the nature of this sea and borderless pollution on the other hand, national research and international efforts were made to preserve and survive these valuable animals. Also, the Iranian legislature saw itself in a situation where it had to take a more serious step in cutting off the hidden and visible categories by economically considering the crime of smuggling of the sturgeon aquatic animals. The result of this research is that although it is now an Economic and Smuggling crime the illegal catch these fish, but the national and international law faces this crime and trade, especially the requirements of international institutions such as *International Union for Conservation of Nature (IUCN)* and the *Convention on International Trade in Endangered Species of Wild Fauna and Flora (CITES)* is not efficient and effective, regardless of the data of fisheries scientists and environmentalists in any region. The decision of the Supreme Court as an excellent reaction of local authorities that has been issued regarding about the types of mild and severe violations of the law is important here, given the international requirements. It can be said that the political will of Iranian legislators and decision makers to some extent is consistent to these national, international dimensions, fisheries scientific data from the point of view of species protection and environmental protection of natural habitat and fight against pollution and finally economic attitude to fishing. And the black trade of these fish has received good attention, all of which show that supporting these fish requires a comprehensive legal, judicial, national, international, and scientific policy.

Keywords: Extinction; Pollution; Illegal fishing; National and International Legal Response; Caspian Sea; Sturgeon fish.

۱. مقدمه

کشور ما برابر «قانون الحاق ایران به کنوانسیون تجارت بین المللی گونه های حیوانات و گیاهان وحشی که در معرض نابودی قرار دارند» مصوب ۱۳۵۵ که باز به این ماهیان نظر و توجه دارد و اسنادی بین المللی دیگر که میان آن پنج کشور نوشته شده و پروتکل هایی برای آن مبادله شده، تعهدات بین المللی شناخته شده ای دارد اما، آنچه باقی است، اهتمام ملی یا محلی است برای تحقق آن اهداف.

در این نوشته به یکی از تجلیات قضایی نمونه های این کوشش ملی از دیرباز تا کنون، برای برخورد با ناقضان حقوق این جانوران ارزشمند و دریای محل زندگی شان می پردازیم.

مبنای نوشته رای از عالی ترین مرجع قضایی یعنی دیوان عالی کشور است که به شکل رای وحدت رویه صادر شده که در حکم قانون است و اعتبار آن را دارد. از نگاه جغرافیایی نیز موضوع این رای اختلاف دادگاه های کناره ای است که بیشترین زیستگاه و تبعاً بیشترین شناور و صید غیرمجاز در آجا است.

گرچه این دیوان رای دیگری نیز درباره آلات و ادوات صید غیر مجاز صادر نموده که در جای خود باید بررسی شود (رای وحدت رویه شماره ۶۲۵ مورخ ۱۳۷۷/۲/۸) ولی، رای وحدت رویه شماره ۶۳۲ که در این نوشته بررسی می شود، به باور نگارنده یکی از مهم ترین رای های آن دیوان است که با نگاه به حفظ این ماهیان در شرایطی که تغییرات قوانین می توانست مانع تمیز و تشخیص صحیح مرجع رسیدگی صالح شود، صادر شده است و توانسته با توصیف تبیین درست این اقدام غیرمجاز، سنگ بنایی برای تدوین قوانین و مقررات نوتر در این باره باشد؛ قوانینی که با خواست های بین المللی حفاظت از این ماهیان و وضعیت قرمز آنها در فهرست جهانی سازگاری دارد. این رای، گرچه مقدم بر سند بین المللی کنوانسیون دریای خزر است اما، به خوبی توانسته با اتکا به تعهدات کنوانسیونی برخاسته از کنوانسیون تجارت بین المللی سال ۱۹۷۳، موضع نظام حقوقی ایران و در خواست حمایت را آشکار نماید و ارزش ملی و بین المللی این حفاظت شدید را آشکار کند.

برای حقوقدانان بررسی رای های قضایی، آن هم بررسی رای عالی ترین مرجع قضایی کشور، کاری است که در بطن هر پژوهش انجام می شود ولی، برای دانشمندان

محیط زیست دریای خزر بسیار آلوده و شکننده شده است. این دریا هم باید فقر مردم منطقه را در هر یک از کشورهای کناره رفع کند و هم جایی باشد برای تفریح و هم محلی باشد برای گذران زندگی و هم دریایی باشد برای استخراج نفت و گاز و هم راهی باشد برای کشتیرانی و مسافربری و منافع تجارت بین المللی و از همه مهم تر تامین خاویار جهان. این همه چشم داشت از این دریاچه بسته کم نیست.

محیط زیست این دریا در نتیجه همین فعالیت های انسانی صنعتی و تجاری به شدت لطمه دیده است. یعنی این دریا که خود زیستگاهی برای جانوران و گیاهان زنده در آن و پیرامن آن است، مورد هجومه و آماج صدمات زیان هاست.

یکی از جانوران بسیار پر ارزش دریای خزر، ماهیان خاویاری یا تاسماهیان است که پنج گونه دارد. این ماهیان ثروتی هستند برای کشورهای کناره و چون مشاع و میزانشان نامعین است، هر که بیشتر و زودتر عمل کند، افزون تر و گزیده تر می برد تا جایی که امروز میزان خاویار تولیدی این دریا به کمترین سطح، با وجود تنوع ابزارهای صید و تسلط بیشتر بشر بر طبیعت، رسیده است. این معضل به چند سبب، پدید آمده است: یکی سن بالای این ماهیان برای رسیدن به مرحله استحصال خاویار؛ دیگری صید غیرمجاز و بی رویه؛ سه دیگر، کوشش برای فقر زدایی با صید و فروش بی رویه این ماهیان؛ و سرانجام آلودگی؛ اموری که نه در اعماق آب این دریا، که از سواحل پنج کشور کناره آن پدیدآمده اند و بدان سرازیر شده اند.

هر کشور به سهم خود در آلودگی و تخریب محیط زیست این دریا مشارکت دارد و اگر مساله صید قاچاق و غیرمجاز را نیز بدان بیافزاییم، که خود معلول نقائص ساختاری و سازمانی است، چیزی از محیط زیست این دریا و جانوران ارزشمند آن در آینده نزدیک باقی نمی ماند. از این رو، همت بین المللی و جهانی لازم است برای عملکرد محلی. این همت چگونه محقق می شود؟

خواهیم دید که برای محیط زیست این دریا گام هایی برداشته شده و «اتحادیه بین المللی حفاظت طبیعت» این گونه ها را در فهرست قرمز خود قرار داده و

است، تاریخی خواندنی دارد (See: Partow, A. 2011; ShabanaliFami et al., 2006; Ebrahimzadeh, 2015). بایسته یادآوری است که به سبب حضور بیگانگان در صنعت صیادی کشور، چه به صورت فرمان شاهان و چه با تصویب قانون، از جمله «قانون اجازه مبادله لایحه شیلات، منعقد بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی مصوب ۳۰ مهر ماه ۱۳۰۶ شمسی»، این صنعت و اقتصاد آن، قریب به ۱۵۰ سال در اختیار بیگانگان بود تا این که در زمان نخست وزیر، مرحوم دکتر محمد مصدق با تصویب «لایحه قانونی اساسنامه شرکت سهامی شیلات ایران» به تاریخ ۱۳۳۲/۴/۶ به سود ایرانیان، ملی شد. گفته‌اند که مردم ایران به شکرانه این رویداد بزرگ، که پس از ملی شدن صنعت نفت بزرگترین رویداد در استیفای حقوق ملت بود، خودجوش به شادی دست زدند و ادارات کشور غرق در شادی، تعطیل شدند (Ebrahimzadeh, 2015).

پس از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷، نخست با «لایحه قانونی انتزاع شرکت سهامی شیلات جنوب ایران از وزارت دفاع ملی و ادغام آن در شرکت سهامی شیلات ایران وابسته به وزارت کشاورزی و عمران روستایی و تشکیل شرکت سهامی شیلات ایران» مصوب سال ۱۳۵۹ شورای انقلاب، شیلات جنوب به وزارت کشاورزی وقت واگذار می‌شود و سپس شرکت‌های شمال و جنوب ادغام شد و شرکت سهامی شیلات ایران تحت پوشش وزارت کشاورزی به موجب «اساسنامه شرکت سهامی شیلات ایران» مصوب ۱۳۶۴ مجلس شورای اسلامی، بنیان نهاده شد.

شرکت‌های شیلات شمال و شرکت شیلات جنوب نیز با تصویب قانون «قانون تاسیس سازمان شیلات ایران» مصوب سال ۱۳۸۳، تبدیل به «سازمان شیلات» شد. رئیس آن سازمان، سمت معاون وزیر جهاد کشاورزی را دارد (تبصره ۱۰ قانون اخیر). این نهاد، سازمانی مستقل است که به وظایف حاکمیتی موضوع «قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع آبی جمهوری اسلامی ایران» مصوب سال ۱۳۷۴ می‌پردازد.

پس گرچه «قانون شکار و صید» مصوب سال ۱۳۴۶ هم درباره شکار و هم درباره صید، احکامی دارد، حتی قانونگذار سالها پیش به تبعیت از فقه، در قانون

علوم شیلات خاویاری، بررسی و مطالعه این رای می‌تواند به منزله دیدن بازخورد تلاش‌های ایشان در حوزه قوانین ملی و بین‌المللی در این عرصه باشد و بتواند برخی اندیشه‌ها و مبانی حقوق حفاظت ملی و بین‌المللی این ماهیان را آشکار نماید. به ویژه این که از منظر جغرافیایی، این رای درباره دادگاه‌ها در جایی از کشور است که بیشترین آسیب را از صید غیرمجاز دیده است.

از نگاه حقوقی نیز این رای هم در توصیف رفتار صید غیرمجاز و هم در برگزیدن دادگاه صالح سودمند است و هم می‌تواند برگ برنده‌ای باشد برای بازی در عرصه بین‌المللی و نشان دادن اراده ملی و رای عالی‌ترین مرجع قضایی کشور در حقوق حفاظت از این ماهیان که در فهرست قرمز قرار گرفته‌اند.

به باور نگارنده درک رابطه همسو و مکمل قوانین و مقررات ملی و بین‌المللی با واقعیت ارزش این جانوران دستمایه اصلی رشد حقوق حفاظت ماهیان خاویاری است و مطالعه رای حاضر به خوبی نشان می‌دهد که تا حد زیادی میان حقیقت این ماهیان و حقوق حفاظت ملی و بین‌المللی آنها همسویی است.

از این رو، در این نوشته نخست نگاهی به جایگاه نهادها و سازمان‌های ملی متولی امور آبزیان و شیل‌ها در کشور می‌پردازیم؛ نوعی نگاه تاریخی نیز در این بخش دیده می‌شود. سپس رای وحدت رویه و گزارش آن از دیدگان می‌گذرد؛ بخشی که برای دانشمندان علوم شیلات و آبزیان می‌تواند برای آشنایی با بازخورد قضایی رفتارهای خلاف قوانین حمایتی سودمند باشد. سرانجام درباره نقد و بررسی رای خواهیم نگاشت و خواهیم کوشید نقش این گونه رای‌ها و پیشینه حقوق ملی و وضعیت کنونی آن را تبیین نماییم؛ بخشی که از نگاه حقوقی، بر بنیاد نقد و بررسی تاییدی استوار است.

۲. نهادهای ملی متولی امور ماهیان

خاویاری

شیلات که برابر ماهیگیری و در اصل ریشه دارد در واژه شیل که گیلکی و به معنای آب‌بند رودخانه برای گرفتن ماهیان است^۱، با وجود این که هنوز صنعتی جوان

^۱ «شل» یا «شیل». در دیگر زبان‌های شمال ایران تلفظ دیگری دارد مانند تالشی، «سل» که گویا با واژه «سیل» در زبان فارسی و «سیل‌بند» هم ریشه و هم معنا باشد. هنوز هم در شمال کشور، سیل به معنای همین آب‌بند است که با هدایت آب‌ها یا ذخیره آن ساخته می‌شود. همچنین اگر بالا و پایین رودخانه را بنندیم، ماهیان درون این بخش بسته شده با کم شدن آب، چه در حال حرکت باشند و چه در زیر سنگ‌ها پنهان شده باشند، به آسانی صید می‌شوند.

«قلمرو اجرایی قانون و مقررات اجرایی آن عبارت است از:

۱- آبهای تحت حاکمیت و صلاحیت جمهوری اسلامی ایران (آبهای داخلی، دریای سرزمینی و منطقه انحصاری اقتصادی) در خلیج فارس و دریای عمان به ترتیب مقرر در قانون مناطق دریایی جمهوری اسلامی ایران و مقررات اجرایی آن؛

۲- آبهای تحت حاکمیت و صلاحیت جمهوری اسلامی ایران در دریای خزر؛

۳- آبهای داخلی و مرزی ایران از قبیل: آبهای موجود در دریاچه‌های طبیعی و مصنوعی و پشت سدها، رودخانه‌ها، آبگیرها طبیعی و مصنوعی، آبراه‌ها، تالاب‌ها، مرداب‌ها اعم از شور، شیرین یا آب‌های لب شور ساحلی و مصب رودخانه‌ها».

از سوی دیگر، زیست محیط دریایی به طور کلی، واکنش‌های ژرف و اثرگذاری در زندگی و زیست مردم دارد. وجود و بقای این زیست محیط‌ها برای سامانه‌های محافظ زندگی و انجام وظایف اکوسیستم‌ها در سراسر زمین امری ضروری هستند و سهم آن‌ها در تنظیم آب و هوای جهانی نیز انکار ناشدنی است. مع الوصف، گوناگونی زیستی، تامین منبع پروتئین، صید غیرقانونی، همگی بر ساحت دریاهای اثر دارد. جای تاسف است که این زیست محیط با فعالیت‌های نظامی، تجارت، زباله و مواد زاید، گردشگری، شمار زیاد کشتی‌های ثبت نشده و سرانجام قاچاق غیرقانونی منابع دریایی در آستانه نابودی است (Stratford, 2004).

خاویار و ماهیان خاویاری، پر طاووس این دریاست. نوشته‌اند که خاویار و صنعت آن در ایران، بسیار دیرینه است گرچه مدارک زیادی در این باره در دست نیست اما، ارسطو، هرودوت و نوشته‌های کهن چینیان و حتی در برخی نوشته‌های ادبی به خاویار دریای خزر اشاره شده است (Pourkazemi, 2001). طمع صید همین ماهیان، که زیستگاه ۹۰ درصد آن‌ها در دریای خزر است، موجب شد تا شاهان حق انحصاری بهره برداری از آن‌ها را به اجانب بدهند که با ملی شدن به همت بلند مرحوم دکتر مصدق، کنار نهاده شد.

ماهیان خاویاری یا استورژن پنج نوع ارزشمند دارند به ترتیب کیفیت عبارتند از: بلوگا یا فیل ماهی (*Huso huso*)، قره برون یا تاس ماهی ایرانی

مدنی طی مادگان ۱۷۹ تا ۱۸۲ شکار را از اسباب تملک قرار داده که صید هم مفهوم جزئی از آن است ولی، در قوانین بعدی مانند «قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست» مصوب سال ۱۳۵۳ و نیز اصلاحاتی که در قانون شکار و صید به عمل می‌آید و حوزه عملکرد سازمان حفاظت محیط زیست تبیین می‌شود، در حال حاضر بر مقوله صید در آب‌های کشور «قانون تاسیس سازمان شیلات ایران» و «قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع آبی جمهوری اسلامی ایران» مصوب سال ۱۳۷۴ حکومت دارد؛ این تفکیک وظایف برای نمونه در مواد ۲۵ و ۲۶ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ که به قاچاق حیوانات وحشی و صید ماهیان خاویاری پرداخته و هر یک را حسب مورد تحت نظارت سازمان حفاظت محیط زیست و سازمان شیلات قرار داده، نیک دیده می‌شود.

اگر بخواهیم بیشتر با حقوق و تکالیف این سازمان درباره این ماهیان خزری آشنا شویم، برابر تبصره ۵ ماده واحده قانون تاسیس سازمان شیلات ایران، «فعالیت‌ها و عملیات اجرایی مربوط به صید، فرآوری، فروش و صادرات ماهیان خاویاری به همراه امکانات، اموال، دارائی‌ها، تعهدات و نیروی انسانی مرتبط به شرکت مادر تخصصی خدمات کشاورزی منتقل می‌گردد. معادل ارزش اموال، امکانات و دارائی‌های متعلقه به سرمایه شرکت مزبور افزوده می‌شود». همچنین برابر مواد ۱ و ۲ قانون حفاظت و بهره برداری از منابع آبی «منابع آبی آب‌های تحت حاکمیت و صلاحیت جمهوری اسلامی ایران ثروت ملی کشور بوده، حفظ و حراست آن از وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. مدیریت حفاظت و بهره‌برداری این منابع در جهت تأمین منافع ملی کشور بر اساس این قانون و مقررات اجرائی آن اعمال می‌گردد». «قلمرو اجرائی این قانون و مقررات اجرائی آن، به جز مواردی که در این قانون تصریح شده است کلیه آب‌های تحت حاکمیت و صلاحیت جمهوری اسلامی ایران اعم از آب‌های داخلی، مرزی و دریایی می‌باشد». همچنین ماده ۲ آیین نامه اجرایی قانون اخیر که در سال ۱۳۷۸ به تصویب رسیده، چنین آورده است که دریای خزر که زیستگاه طبیعی ماهیان خاویاری و بستر پرورش آن‌ها از کهن دیرگاهان است (Yasini, 1974) یکی از گستره‌های مورد اشاره در آن قانون است:

دریا از طریق اکتشافات و صنایع و حمل و نقل و دفع زباله و سموم و پسماندها (For our Northern Provinces See: Abdoli et al., 2007) عامل مهم دیگری در این کاهش و آسیب است (Meimandinejad, 1980).

نگارنده سر آن ندارد که به گونه شناسی و ارزش اقتصادی و ارزش جانوری آن ماهیان ارزشمند بپردازد. واقعیت این است که همه این پنج گونه تاسماهیان دریای خزر چه فیل ماهی (Gesner, et al., 2010) و چه دیگر گونه‌های پرارزش مانند تاس ماهی ایرانی (Gesner, et al., 2010)، تاس ماهی روس (Gesner, et al., 2010)، شیب (Gesner, et al., 2010)، و ازون برون (Qiwei, 2010)، در فهرست قرمز سال ۲۰۱۰ «اتحادیه بین المللی حفاظت طبیعت»^۲ قرار دارند و خطر انقراض آن‌ها همچنان بالا است و این امر موجب شده، تا حسب مورد، در کشور ما نیز ضمانت اجرای شدید اقتصادی، جرم انگاری قاچاق یا رویکرد حمایتی، در سیاست حقوقی و جزایی کشور همگام با حرکت بین المللی، مورد توجه مقنن قرار گیرد. از نگاه صید برابر تبصره ۵ ماده واحده قانون تاسیس سازمان شیلات مصوب سال ۱۳۸۳ «فعالیت‌ها و عملیات اجرائی مربوط به صید، فرآوری، فروش و صادرات ماهیان خاویاری به همراه امکانات، اموال، دارائی‌ها، تعهدات و نیروی انسانی مرتبط به شرکت مادر تخصصی خدمات کشاورزی منتقل می‌گردد. معادل ارزش اموال، امکانات و دارائی‌های متعلقه به سرمایه شرکت مزبور افزوده می‌شود» و «درآمدهای حاصل از فروش خاویار به حساب خزانه دولت واریز می‌شود» (تبصره ۶).

همچنین وفق بند دال ماده ۲۲ قانون حفاظت و بهره برداری «صید، عمل آوری، عرضه، فروش، حمل و نقل، نگهداری واردات و صادرات انواع ماهی‌های خاویاری و خاویار بدون اجازه شیلات ممنوع است و مرتکب و مرتکبین به جزای نقدی تا سه برابر ارزش محصول (متناسب با نوع و میزان صید) و حبس یک تا سه ماه محکوم می‌شوند. در صورت تکرار جرایم مقرر در این بند، دادگاه مرتکب یا مرتکبین راعلاوه بر جزای نقدی مقرر به

(*Acipenser persicus*)، چالباش یا تاس ماهی روس شیب (*Acipenser gueldenstaedtii*)، و دراکول یا ازون برون (*Acipenser nudiventris*) تلاش برای توصیف این ماهیان و تکرار مطالب مربوط به آن‌ها در این نوشته سودی ندارد.

در حال حاضر با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، پنج کشور ایران، روسیه، قزاقستان، جمهوری آذربایجان و ترکمنستان صادر کننده خاویار این دریا هستند (Feizabadi, et al., 2009). برخی این محصول را مهمترین صادرات غیرنفتی (Commercial Studies, 1995) و برخی آن را با فروپاشی شوروی و هجوم مردم فقیر برای صید و آلودگی محیط زیست آن دریا، در معرض انقراض دیده‌اند (Babran, Ghamkhar, 2007) و به همین سبب توصیه کرده‌اند که ماهیان خاویاری را زین پس، باید در موزه نگهداری کرد (Darai, 2000).

در کشور ما گرچه اینک بیش از بیست استان دارای مزارع پرورش و تکثیر این ماهیان هستند (Karamirad, 2019) ولی، زیستگاه طبیعی کشور در سه استان مازندران، گیلان و گلستان است و خواهیم دید رای وحدت رویه این نوشته نیز مربوط به یکی از استان‌ها است. از نگاه پرورش این ماهیان، پژوهشگران نوشته‌اند که حفظ و احیای ماهیان خاویاری، سود دهی مطلوبی دارد که از مزایای پرورش و تکثیر است و در عین حال این کار با مخاطراتی از قبیل کمبود نیروی متخصص و وجود بیماری‌های ماهیان خاویاری روبه رو است و در هر حال معضلاتی همچون، نیاز به توسعه دانش روز، کاستن از صید غیرقانونی، یافتن بازار هدف و نبود حمایت‌های بیمه‌ای، در این صنعت دیده می‌شود (MehrYousefi et al. 2019).

همچنین پژوهشگران باور دارند که با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در فاصله سال‌های ۱۹۹۰-۱۹۹۱، ماهیان خاویاری، بی‌رویه، صید شده‌اند تا جایی که میزان صید آن از ۲۸۵۰۰ تن در سال ۱۹۸۵ با کمتر از ۱۰۰۰ تن در سال ۲۰۰۵ رسیده است و میزان خاویار تولیدی از ۳۰۰۰ تن به کمتر از ۹۰ تن رسیده است و آماری هم از صید غیرمجاز در دریای خزر موجود نیست (Sharif Rouhani et al., 2016). وانگهی، آلوده شدن این

² (IUCN) International Union for Conservation of Nature's Red List of Threatened Species.

معرض نابودی قرار دارند»^۳ ۱۹۷۳ که کشور ما بدان در سال ۱۳۵۵ پیوست و به ویژه ماده ۸ آن که به انجام «اقدامات لازم را برای ایجاد مقررات این کنوانسیون و جلوگیری از تجارت گونه‌ها بر خلاف مقررات آن»، از جمله «قابل مجازات دانستن تجارت یا مالکیت این گونه‌ها» که در فهرست این کنوانسیون نیز به ماهیان خاویاری اشاره دارد، همسو است (See: Dabiri et al. 2011).

بر این اساس، رای وحدت رویه شماره ۶۳۲ که در سال ۱۳۷۸ صادر شده گرچه بیشتر پیرامون انطباق قوانین جدید مساعدتر بر محکومیت‌های پیشین برابر قوانین سال ۱۳۵۳ و ۱۳۵۸ و صلاحیت مراجع رسیدگی است، که گزارش آن از دیدگان می‌گذرد، اما به باور نگارنده این رای با نگاه به ارزش حقیقی این ماهیان و واقعیت در خطر آن‌ها صادر شده است که می‌تواند هم مبنای قانونگذاری جدید را به نمایش بگذارد و هم در عرصه‌های بین المللی، سیمای نظام حقوقی ایران را به نمایش بگذارد.

۲. گزارش پرونده رای وحدت رویه شماره

۶۳۲

برابر گزارش منتشر شده از این رای^۴ که رئیس دادگستری شهرستان بندر ترکمن طی شرحی به شماره ۱۳۷۵/۶/۱۹-۱/۲۴۶۰ اعلام نموده است که در مورد مرجع صلاحیت‌دار برای رسیدگی به بزه صید ماهیان خاویاری و استحصال خاویار به طور غیرمجاز از طرف شعبه اول و چهارم دادگاه‌های تجدیدنظر استان مازندران آرای "متهااتف" که یک اصطلاح حقوقی به معنای تعارض رای است، صادر گردیده و بدین ترتیب، تقاضای طرح موضوع را در هیئت عمومی دیوان عالی کشور به منظور اتخاذ رویه واحد شده است. که گزارش آن به شرح زیر است:

(۱) محتویات پرونده کلاسه ۷۴/۱۴۲۶ شعبه اول عمومی شهرستان بندر ترکمن گویای آن است که در

نود و یک روز تا شش ماه حبس تعزیری محکوم می‌نماید».

وانگهی، طبق ماده ۲۶ «قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز» مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات سال ۱۳۹۴ «صید، عمل آوری، تهیه، عرضه، فروش، حمل، نگهداری و صدور خاویار و ماهیان خاویاری که میزان و مصادیق آن توسط سازمان شیلات تعیین می‌شود، بدون مجوز این سازمان مشمول مجازات قاچاق کالای ممنوع است» و بر این اساس، این عمل، مشمول ضمانت اجرای مقرر در ماده ۲۲ آن قانون است.

همچنین برابر تبصره ۲ ماده ۲۲ «وجوه حاصل از قاچاق کالای ممنوع، ضبط می‌شود» و به حکم تبصره ۳ آن، «آلات و ادواتی که جهت ساخت کالای ممنوع به منظور قاچاق یا تسهیل ارتکاب قاچاق کالای ممنوع مورد استفاده قرار می‌گیرد، ضبط می‌شود. مواردی که استفاده کننده مالک نبوده و مالک عامداً آن را در اختیار مرتکب قرار نداده باشد، مشمول حکم این تبصره نمی‌باشد».

پیش از وضع این قوانین و مقررات، مساله صید ماهیان خاویاری و قاچاق بودن آن در ماده ۲ «لایحه قانونی مجازات صید غیر مجاز از دریای خزر و خلیج فارس» مصوب ۱۳۵۸/۵/۴ شورای انقلاب اسلامی آمده بود که مسبوق بود به ماده یک اصلاحی «قانون مجازات مرتکبین قاچاق» مصوب ۱۳۵۳/۱۲/۲۹ یا همان قانون موسوم به «قانون اصلاح بعضی از مواد قانون مجازات مرتکبین قاچاق و الحاق چند ماده و تبصره به قانون مزبور»، مصوب ۱۳۵۳/۱۲/۲۹. برابر ماده یک لایحه صدرالاشاره سال ۱۳۵۸، «صید ماهی خاویاری (تاس‌ماهیان) تهیه خاویار همچنین عرضه، فروش، حمل نگهداری و صدور آنها بدون اجازه شرکت سهامی شیلات ایران ممنوع و مرتکبین طبق قانون مجازات مرتکبین قاچاق قابل تعقیب و مجازات خواهند بود و کسانی که خاویار را به طریق مذکور تحصیل و بودن اجازه شرکت سهامی شیلات ایران صادر نمایند به حداکثر مجازات مزبور محکوم خواهند شد».

چنین به دیده می‌رسد که این تدابیر با الزامات و تعهدات جهانی کشور ما در «کنوانسیون تجارت بین‌المللی گونه‌های حیوانات و گیاهان وحشی که در

³. Convention on International Trade in Endangered Species (CITES).

^۴. به نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۵۸۰۹ مورخ ۱۳۷۸/۳/۱۸.

تاریخ ۱۳۷۳/۴/۱ مأمورین حراست دریای بندرترکمن حین گشتزنی در عمق دریا به چهار نفر که در حال صید غیرمجاز ماهیان بوده‌اند برخورد و پس از تعقیب و گریز آن‌ها را به همراه دو فروند قایق موتوری دستگیر و مقدار ۸۰ کیلو ماهی غضروفی از نوع فیل ماهی و یکصد رشته دام از آنان کشف می‌نمایند.

مراتب به دادسرای انقلاب اسلامی گرگان اعلام و آقایان شهرام خادم‌لو و غیره تحت تعقیب قرار می‌گیرند. سپس حین رسیدگی در تاریخ ۷۴/۹/۱ دادگاه انقلاب اسلامی گرگان در خصوص اتهام آقای شهرام خادم‌لو فرزند بابا مبنی بر صید ماهیان خاویاری و استحصال آن با عنایت به محل وقوع جرم و لحاظ قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع آبی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۴/۶/۱۴ قرار عدم صلاحیت خود را به شایستگی دادگاه‌های عمومی بندر ترکمن صادر نموده شعبه اول دادگاه عمومی بندر ترکمن نیز با این استدلال رای می‌دهد:

«که طبق ماده ۲ لایحه قانونی مجازات صید غیرمجاز از دریای خزر و خلیج فارس مصوب ۱۳۵۸ تهیه خاویار و صید غیرمجاز ماهی‌های غضروفی عنوان قاچاق داشته و مجرمین طبق قانون مجازات مرتکبین قاچاق و قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز قابل تعقیب و مجازات در محاکم صالحه که طبق بند ۳ ماده واحده قانون حدود صلاحیت دادسراها و دادگاه‌های انقلاب و بند ۵ از ماده ۵ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب و آراء وحدت رویه صادره دادگاه‌های انقلاب می‌باشند و بند د ماده ۲۲ قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع آبی ... ناظر به مجازات مرتکبین است و به عبارت دیگر نوعی تغییر مجازات در قوانین سابق در این زمینه تلقی می‌شود و هیچ ارتباطی به صلاحیت محکمه رسیدگی کننده نداشته و مراجع صالح تا صراحتاً و به موجب نصوص قانونی از آن‌ها سلب صلاحیت نشده باید به رسیدگی خود ادامه دهند».

لذا این دادگاه خود را صالح به رسیدگی ندانسته و قرار عدم صلاحیت خود را به اعتبار دادگاه انقلاب اسلامی گرگان صادر و پرونده را جهت حل اختلاف به دادگستری استان ارسال داشته باشد که به شعبه اول دادگاه تجدید نظر استان مازندران ارجاع شده و به کلاس ۱/۲۴/۲۵ تجدیدنظر ثبت می‌شود.

این دادگاه به موجب دادنامه شماره ۳۵۵-۱۳۷۵/۴/۳۱ چنین رأی داده است:

«چون با وضع و تصویب قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع آبی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۴/۶/۱۴ و برداشته شدن عنوان قاچاق از اتهام صید و تهیه و عرضه و فروش حمل و نگهداری و صدور ماهیان خاویاری صلاحیت دادگاه انقلاب از این عنوان محدود و برداشته شده است لذا با وضع این قانون دادگاه انقلاب اسلامی صالح به رسیدگی نمی‌باشد و اگرچه قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع آبی جمهوری اسلامی ایران قانون ماهوی است اما چون با حذف احاله مجازات مرتکبین قاچاق موضوع ماده ۲ قانون صید در دریای خزر مصوب ۵۸ در قانون اخیرالتصویب و تعیین شدن مجازات جدید، قاچاق بودن جرائم موضوع بند د ماده ۲۲ این قانون منتفی شده است و به این اعتبار از نظر شکلی هم در صلاحیت و مرجع رسیدگی آن هم مداخله نموده و امر صلاحیت به لحاظ ارتباط با نظم عمومی و آمره بودن آن عطف به ماسبق شده و پرونده‌های درحال رسیدگی را هم شامل می‌شود و بنابراین موضوع مانحن فیه از صلاحیت ذاتی دادگاه انقلاب اسلامی خارج و داخل در صلاحیت عام محاکم عمومی شده است لذا با پذیرش استدلال شعبه دوم دادگاه انقلاب اسلامی گرگان در عدم صلاحیت به استناد ماده ۳۳ قانون تشکیل محاکم عمومی و انقلاب به صلاحیت دادگاه عمومی بندر ترکمن (شعبه اول) حل اختلاف می‌گردد».

۲) محتویات پرونده کلاس ۷۴/۱۵۹۴ شعبه اول دادگاه عمومی بندر ترکمن حکایت از این دارد که در تاریخ ۱۳۶۹/۹/۷ آقای رحمت الله بالغچی فرزند حسین در یک فروند قایق پارویی در دریا توسط مأمورین هنگ مرزی اترک دستگیر و پس از تحقیق از وی توسط اداره اطلاعات بندر ترکمن با توجه به اعترافاتی که نموده به دادسرای انقلاب اسلامی گرگان معرفی و به اتهام مباشرت در صید غیرمجاز ماهیان غضروفی و استحصال مجموعاً ۱۶ کیلوگرم خاویار در دو مرحله تحت تعقیب قرار گرفته و نهایتاً در مورد وی کیفرخواست مورخه ۱۳۷۲/۷/۲۴ صادر و به استناد ماده ۲ قانون مجازات صید غیرمجاز از دریای خزر و خلیج فارس مصوب سال ۱۳۵۸ شورای انقلاب تقاضای مجازات وی گردیده است. شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی گرگان حین رسیدگی در تاریخ

استحصار خاویار را که در جریان رسیدگی بوده با صدور قرار عدم صلاحیت جهت رسیدگی به دادگاه عمومی بندر ترکمن ارسال داشته‌اند و با حصول اختلاف در صلاحیت بین دادگاه های مذکور از طرف شعبه اول و چهارم دادگاه تجدیدنظر استان مازندران در استنباط از قوانین آراء متهافت صادر گردیده است. بدین توضیح که شعبه اول به شرح دادنامه شماره ۳۵۵-۳۱/۴/۱۳۷۵ دادگاه عمومی بند ترکمن را صالح به رسیدگی دانسته در حالی که شعبه چهارم به شرح دادنامه شماره ۶۰-۲۹/۱/۱۳۷۵ برعکس دادگاه انقلاب اسلامی گرگان را شایسته رسیدگی تشخیص داده است بناء علی هذا در اجرای ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آئین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۳۷ تقاضای طرح موضوع را در هیئت عمومی محترم دیوان عالی کشور به منظور ایجاد رویه واحد دارد».

نماینده دادستان کل کشور نیز در این باره چنین اظهار نظر می‌کند:

«با توجه به اینکه طبق ماده ۲ لایحه قانونی مجازات صید غیرمجاز از دریای خزر و خلیج فارس، مصوب سال ۱۳۵۸ صید غیرمجاز ماهی‌های خاویاری و تهیه خاویار عنوان قاچاق داشته و مجازات آن برابر قانون مجازات مرتکبین قاچاق پیش بینی شده است و طبق بند ۳ ماده واحده قانون حدود صلاحیت دادرسی و دادگاه‌های انقلاب رسیدگی به جرائم قاچاق در صلاحیت مرجع مذکور تعیین گردیده است، لذا تغییر مجازات این نوع جرائم در قانون حفاظت و بهره برداری از منابع آبی مصوب سال ۱۳۷۴ تغییری در صلاحیت دادگاه انقلاب نمی‌دهد و درخصوص جرائم عنوان شده به هر تقدیر رسیدگی در صلاحیت دادگاه انقلاب خواهد بود. نتیجتاً رأی شعبه چهارم دادگاه تجدیدنظر استان مازندران موجه بوده و معتقد به آن می‌باشم».

در این باره سرانجام هیات عمومی دیوان عالی کشور مشاوره نموده این گونه رای می‌دهد:

«گرچه به شرح ماده ۲ لایحه قانونی صید غیرمجاز از دریای خزر و خلیج فارس مصوب ۱۳۵۸/۵/۱۵ صید ماهی خاویاری (تاسماهیان) تهیه خاویار همچنین عرضه، فروش، حمل، نگهداری و صدور آن‌ها بدون اجازه شرکت سهامی شیلات ایران ممنوع اعلام و تصریح گردیده مرتکبین طبق قانون مجازات مرتکبین قاچاق تعقیب و

۱۳۷۴/۷/۲۵ با صدور قرار عدم صلاحیت پرونده را به اداره شیلات بندر ترکمن ارسال و سپس متذکر گردیده که حسب مقررات موضوعه جدیدالتصویب پرونده به دادگستری همان شهرستان فرستاده شود.

مدیر شیلات ترکمن نیز پرونده را با توجه به قانون حفاظت و بهره برداری از منابع آبی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۴/۶/۱۴ به دادگستری شهرستان بندر ترکمن ارسال و تقاضای رسیدگی و اعلام نتیجه نموده است. با ارجاع پرونده به شعبه اول دادگاه عمومی بندر ترکمن این دادگاه با استدلال به اینکه بزه صید غیرمجاز ماهی‌های غضروفی و تهیه خاویار عنوان قاچاق داشته که دادگاه های انقلاب صالح به رسیدگی هستند و بند د ماده ۲۲ قانون حفاظت و بهره برداری از منابع آبی ... ناظر به مجازات مرتکبین اعمال مذکور و به عبارت دیگر نوعی تغییر مجازات در قوانین سابق در این زمینه بوده و ارتباطی به صلاحیت محکمه رسیدگی کننده در صورت عدم تصریح قانونی ندارد. لذا قرار عدم صلاحیت خود را به اعتبار صلاحیت دادگاه انقلاب اسلامی گرگان صادر و پرونده جهت حل اختلاف به دادگستری استان ارسال داشته که به شعبه چهارم دادگاه تجدیدنظر استان مازندران ارجاع و به کلاسه ۴/۶۸/۷۵ ثبت گردیده است و این دادگاه به موجب دادنامه شماره ۶۰-۲۹/۱/۱۳۷۵ با توجه به ماده ۲ لایحه قانونی مجازات صید غیرمجاز از دریای خزر و خلیج فارس مصوب سال ۱۳۵۸ شورای انقلاب و با امعان نظر به ماده واحده قانون اصلاح ماده ۱ از قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۱۲/۱۲/۲۹ و ۱۳۷۳/۱۱/۹ و مستفاد از بند ۵ ماده ۵ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب سال ۱۳۷۳ موضوع معنونه را در صلاحیت دادگاه انقلاب اسلامی تشخیص و از این رو با تأیید نظریه دادگاه عمومی شعبه اول بندر ترکمن و نتیجتاً اعلام صلاحیت دادگاه انقلاب اسلامی گرگان و فسخ قرار عدم صلاحیت صادره از ناحیه دادگاه مزبور حل اختلاف نموده است. اینک با توجه به مراتب معروض فوق به شرح زیر اظهار نظر می‌نماید.

«همان‌طور که ملاحظه می‌فرمایید با تصویب و اجرای قانون حفاظت و بهره برداری از منابع آبی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۴/۶/۱۴ و با توجه به بند د ماده ۲۲ قانون مذکور دادگاه‌های انقلاب اسلامی گرگان پرونده‌های مربوط به صید ماهیان خاویاری و

جمهوری اسلامی ایران مصوب آن سال را اخف و مساعد تشخیص داد: «چون مقررات بند «د» ماده ۲۲ قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع آبی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۴/۶/۱۴ مجلس شورای اسلامی که از تاریخ ۱۳۷۴/۸/۱ لازم‌الاجراء شده از نظر مجازات اخف از مجازات مقرر در ماده یک اصلاحی قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۵۳/۱۲/۲۹ می‌باشد و از جهات دیگر هم مساعد به حال مرتکب است».

هر دوی این بازخوردها امروز با تصویب «قانون قاچاق کالا و ارز» در سال ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی سال ۱۳۹۴ در ظاهر کنار رفته است ولی، برای رسیدن به سطح بالاتر در مواجهه با حقوق حفاظت از ماهیان خاویاری این دو بازخورد بایسته بوده است.

۲،۴. از نگاه ماهیت عمل صید غیرمجاز این ماهیان، قانون‌گذار با وضع ماده ۲۶ قانون قاچاق کالا و ارز، نوع عمل را که در بند د ماده ۲۲ قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع آبی، «بدون اجازه شیلات ممنوع» بوده است به «قاچاق کالای ممنوع» تغییر داده است: «صید، عمل آوری، تهیه، عرضه، فروش، حمل، نگهداری و صدور خاویار و ماهیان خاویاری که میزان و مصادیق آن توسط سازمان شیلات تعیین می‌شود، بدون مجوز این سازمان مشمول مجازات قاچاق کالای ممنوع است» و از منظر صلاحیت مرجع قضایی برابر ماده ۴۴ آن قانون، رسیدگی به بزه را در صلاحیت دادرسی و دادگاه انقلاب اسلامی قرار داده و از باقی ماندن به صلاحیت دادگاه عمومی که در رای وحدت رویه شماره ۶۳۲ آمده بود، عدول کرده است: «رسیدگی به جرائم قاچاق کالا و ارز سازمان یافته و حرفه‌ای، قاچاق کالاهای ممنوع و قاچاق کالا و ارز مستلزم حبس و یا انفصال از خدمات دولتی در صلاحیت دادرسی و دادگاه انقلاب است. سایر پرونده‌های قاچاق کالا و ارز، تخلف محسوب و رسیدگی به آن در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی است. چنانچه پرونده‌ای، متهمان متعدد داشته و رسیدگی به اتهام یکی از آنان در صلاحیت مرجع قضایی باشد، به اتهامات سایر اشخاص نیز در این مراجع رسیدگی می‌شود». آن چه این نوشته به دنبال تبیین آن است بررسی سبب این تغییرات و تحولات است.

۳،۴. پیش از بررسی این اسباب بایسته تأکید است که از جهت روش شناسی، منطق رای وحدت رویه شماره

مجازات می‌شوند لکن چون مقررات بند «د» ماده ۲۲ قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع آبی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۴/۶/۱۴ مجلس شورای اسلامی که از تاریخ ۱۳۷۴/۸/۱ لازم‌الاجراء شده از نظر مجازات اخف از مجازات مقرر در ماده یک اصلاحی قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۵۳/۱۲/۲۹ می‌باشد و از جهات دیگر هم مساعد به حال مرتکب است بنابراین به حکم ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی مصوب مرداد ماه ۱۳۷۰ در مورد جرائم سابق بر وضع قانون مذکور تا صدور حکم قطعی مؤثر خواهد بود و از آنجا که مطلق واژه دادگاه مذکور در قسمت اخیر بند «د» ماده ۲۲ قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع آبی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۴/۶/۱۴ مقید به قید انقلاب نیست و ظهور در دادگاه‌های عمومی دارد و مقررات مواد ۱ و ۳ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب هم این مطلب را تأیید می‌نماید بنا به مراتب دادنامه شماره ۳۵۵-۷۵/۴/۳۱ شعبه اول دادگاه تجدیدنظر استان مازندران که به شرح آن در مقام حل اختلاف به صلاحیت دادگاه عمومی بندر ترکمن اظهار نظر شده به اکثریت آراء نتیجتاً صحیح و منطبق با موازین قانونی تشخیص می‌شود. این رای بر طبق ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۳۷/۵/۱ برای دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم‌الاتباع است».

۴. تحولات ملی و بین‌المللی رای وحدت

رویه شماره ۶۳۲

۱،۴. در این رای دیدیم که هیات عمومی دیوان عالی کشور دو بازخورد از قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع آبی جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۷۴ در سامانه قضایی مطرح نمود:

یکی این که بر صلاحیت دادگاه‌های عمومی در بزه رسیدگی به جرم صید غیرمجاز تأکید کرد: «از آنجا که مطلق واژه دادگاه مذکور در قسمت اخیر بند «د» ماده ۲۲ قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع آبی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۴/۶/۱۴ مقید به قید انقلاب نیست و ظهور در دادگاه‌های عمومی دارد و مقررات مواد ۱ و ۳ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب هم این مطلب را تأیید می‌نماید». دو این که مقررات بند «د» ماده ۲۲ قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع آبی

باید دید که مقررات قانون سال ۱۳۷۴ اخف و مساعدتر است یا مقررات قانون قاچاق سال ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی چنین است و سپس از واژه دادگاه، که گفته شده ظهور در دادگاه عمومی دارد، صلاحیت مرجع صالح را دریافت. برای این کار بایسته است یکبار دیگر مقررات این دو ماده از نظرها بگذرد:

ماده ۲۷ قانون قاچاق:

«صید، عمل آوری، تهیه، عرضه، فروش، حمل، نگهداری و صدور خاویار و ماهیان خاویاری که میزان و مصادیق آن توسط سازمان شیلات تعیین می‌شود، بدون مجوز این سازمان مشمول مجازات قاچاق کالای ممنوع است.»

ماده ۲۲ آن قانون:

«هرکس مرتکب قاچاق کالای ممنوع گردد یا کالای ممنوع قاچاق را نگهداری یا حمل نماید یا بفروشد، علاوه بر ضبط کالا به شرح زیر و مواد (۲۳) و (۲۴) مجازات می‌شود:

الف. در صورتی که ارزش کالا تا ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال باشد، به جزای نقدی معادل دو تا سه برابر ارزش کالای ممنوع قاچاق؛

ب. در صورتی که ارزش کالا از ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) تا یکصد میلیون (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال باشد به جزای نقدی معادل سه تا پنج برابر ارزش کالای ممنوع قاچاق؛ پ. در صورتی که ارزش کالا از یکصد میلیون (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) تا یک میلیارد (۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال باشد به بیش از شش ماه تا دو سال حبس و به جزای نقدی معادل پنج تا هفت برابر ارزش کالای ممنوع قاچاق؛

ت. در صورتی که ارزش کالا بیش از یک میلیارد (۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال باشد به دو سال تا پنج سال حبس و به جزای نقدی معادل هفت تا ده برابر ارزش کالای ممنوع قاچاق؛

تبصره ۱- در صورتی که ارزش عرفی (تجاری) مشروبات الکلی مشمول بندهای (الف) و (ب) این ماده باشد مرتکب علاوه بر جریمه نقدی مقرر در این ماده به مجازات حبس از شش ماه تا یک سال محکوم می‌شود.»

بند د ماده ۲۲ قانون حفاظت و بهره برداری از منابع آبی:

۶۳۲ هنوز به کارگرفتنی است؛ امروز با نسخ لایحه قانونی صید غیرمجاز از دریای خزر و خلیج فارس مصوب ۱۳۵۸/۵/۱۵ و ماده یک اصلاحی قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۵۳/۱۲/۲۹ و وضع قوانین جدید به شرح بالا، اعتبار یا بی‌اعتباری آن رای می‌تواند در حقوق حفاظت دریای خزر و حمایت از این ماهیان قرار گرفته در فهرست قرمز و مشمول کنوانسیون سال ۱۹۷۳، به عنوان بخشی از محیط زیست و همچنین جلوگیری از تکرار بروز اختلافات و کاهش هزینه‌های مادی و معنوی حل اختلاف مراجع قضایی در دیوان عالی کشور، هم برای نظام عدالت قضایی سودمند باشد و هم برای رسیدگی به جرائمی که در زمان حکومت قانون سابق روی داده است ملاک و معیار باشد. به بیان دیگر، بررسی استدلال دیوان عالی کشور در پیگرد کسانی که پیش از وضع قانون قاچاق کالا و ارز مرتکب جرم شده‌اند، موثر است. چرا که دیوان عالی کشور به درستی در برگزیدن دادگاه عمومی برای رسیدگی به بزه بند د ماده ۲۲ قانون حفاظت و بهره برداری از منابع آبی دو استدلال می‌کند که هنوز هم معتبر است:

یکی این که مقررات بند «د» ماده ۲۲ قانون حفاظت و بهره برداری از منابع آبی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۴/۶/۱۴ مجلس شورای اسلامی که از تاریخ ۱۳۷۴/۸/۱ لازم‌الاجراء شده از نظر مجازات اخف از مجازات مقرر در ماده یک اصلاحی قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۵۳/۱۲/۲۹ می‌باشد و از جهات دیگر هم مساعد به حال مرتکب است؛

دو این که مطلق واژه دادگاه مذکور در قسمت اخیر بند «د» ماده ۲۲ قانون حفاظت و بهره برداری از منابع آبی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۴/۶/۱۴ مقید به قید انقلاب نیست و ظهور در دادگاه‌های عمومی دارد و مقررات مواد ۱ و ۳ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب هم این مطلب را تأیید می‌نماید.

۴،۴. نخستین جلوه‌گاه این دو استدلال در ماده ۲۶ قانون قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات ۱۳۹۴ نمود یافته که امروز باید حکم آن را در کنار بند دال ماده ۲۲ قانون حفاظت و بهره برداری از منابع آبی جمهوری اسلامی ایران سال ۱۳۷۴ قرار داد. یعنی در جمع میان این دو قانون و نحوه اعمال هر یک که گاه می‌تواند منجر به احکام متفاوتی شود، بر بنیاد همین رای وحدت رویه

امکانات ارتکاب این بزه رشد کند. پس اگر نگاه غیراقتصادی به یک جرم اقتصادی وجود داشته باشد، عملاً با ماهیت و اصل آن جرم برخورد نمی‌شود. خاویار دریای خزر، با ارزش اقتصادی بالا تنها یک ماده غذایی نیست که استحصال آن در امنیت غذایی مردم اقدامی به شمار آید. ارزش و بهره اقتصادی و تولید زنجیره مالی سراسر سود، در احتمالات خطر دستگیری ایادی و ضبط و مصادره اموال و ادوات صید و شناور، می‌تواند هنوز مقرون به صرفه باشد. بر این اساس، باید نوع واکنش حقوقی نیز متناسب با آن، واکنش اقتصادی باشد که این امر در قانون سال ۱۳۹۲ با اصلاحات ۱۳۹۴ محقق شده و برخورد شدیدتر شده است. برخی پژوهشگران پس از تحقیقی مفصل تاکید کرده‌اند که سطح مطالعه پایین در بین صیادان، منافع اقتصادی بالای صید غیرقانونی، بی‌اطلاعی یا کم‌اطلاعی صیادان از قوانین و مقررات و پیگرد احتمالی، سطح گشت و بازرسی، تحت فشار بودن از ناحیه قاچاقچیان، شدت و ضعف مجازات، به کار نگرفتن صیادان غیرقانونی در صنایع پرورش آبزیان منطقه و همه را از جمله عوامل موثر در صید بی‌رویه در سواحل غربی دریای خزر است (Alinejad et al., 2017). ایشان توصیه می‌کنند که «در مجموع، این مطالعه بر نقش پیچیده صید غیرقانونی تاکید کرده و دلالت می‌کند که برهم کنش عوامل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و حقوقی می‌تواند تاثیر زیادی در شدت وقوع صید غیرقانونی در ابعاد مکانی و زمانی خاص داشته باشد. مدیریت مطلوب منابع دریایی مستلزم این است که تمامی عوامل به طور یکپارچه در نظر گرفته شوند. در نتیجه، هماهنگی سازمان‌های مرتبط در سطوح ملی و بین‌المللی در اتخاذ و اجرای درست قوانین می‌تواند نقشی بسیار حیاتی در حفاظت و بهره‌برداری پایدار از منابع طبیعی دریایی به خصوص در دریای خزر ایفا کند» (Alinejad et al., 2017).

پس، اگر قرار است این ماهیان برای کشورهای کناره، ارزی هم پایه ارزآوری نفت بیاورد و تنگدستی مردم منطقه را برطرف کند، باید کالایی با ارزش اقتصادی به شمار آید که از هر جهت مشمول نظام حقوقی قاچاق است. نظام حقوقی قاچاق با برخورد سلب مالکیت نامشروع از ناقضان قانون و ضبط یا مصادره اموال و ادوات این کار، با قدرت اقتصادی پشتیبان این کار مبارزه می-

«صید، عمل‌آوری، عرضه، فروش، حمل و نقل، نگهداری واردات و صادرات انواع ماهی‌های خاویاری و خاویار بدون اجازه شیلات ممنوع است و مرتکب یا مرتکبین به جزای نقدی تا سه برابر ارزش محصول (متناسب با نوع و میزان صید) و حبس یک تا سه ماه محکوم می‌شوند. در صورت تکرار جرائم مقرر در این بند دادگاه مرتکب یا مرتکبین را علاوه بر جزای نقدی مقرر به نود و یک روز تا شش ماه حبس تعزیری محکوم می‌نماید».

روشن است که احکام قانون حفاظت و بهره‌برداری سال ۱۳۷۴ نسبت به قانون قاچاق کالا و ارز اخف بوده و به حال متخلف مساعدتر است از این رو، نسبت به کسانی که پیش از وضع قانون سال ۱۳۹۲ قاچاق مرتکب بزه موضوع بند دال ماده ۲۲ شده‌اند، هم از جهت میزان مجازات و هم از نگاه صلاحیت دادرسی و دادگاه حکومت دارد.

۵،۴. با وجود این، در وضعیت کنونی ارتکاب جرم موضوع بند دال ماده ۲۲ قانون سال ۱۳۷۴ با عنایت به صراحت ماده ۲۷ و ماده ۴۴ قانون قاچاق کالا و ارز سال ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی، از جهت تعقیب و تحقیق و محاکمه، در صلاحیت دادرسی و دادگاه انقلاب اسلامی است. اداره حقوقی قوه قضاییه نیز نظری همسو داده است: «... از مفاد ماده ۴۴ این قانون یاد شده، چنین استنباط می‌شود که جرائم قاچاق کالای ممنوع و مصادیق مواد ۲۵ و ۲۶ آن قانون که در حکم قاچاق کالای ممنوع‌اند، در صلاحیت رسیدگی دادرسی و دادگاه انقلاب است» (Opinion No 1923/94/7-04/10/2015; Shahheidaripour et al., 2016).

۶،۴. چرایی این تغییر از نگاه پژوهنده، از یک سو در اقتصادی بودن جرم صید ماهیان موضوع بند دال ماده ۲۲ قانون حفاظت و بهره‌برداری ریشه دارد و از سوی دیگر، با اندیشه دانشمندان شیلات در لزوم تقویت حفاظت و توجه بیشتر به این گونه‌های قرار گرفته در فهرست همسو است.

۷،۴. از نگاه اقتصادی، بزه قاچاق در یک زنجیره مالی و اقتصادی محقق شده و به قوت گرفتن بنیه مالی بزهکاران آن در یک تجارت سیاه می‌انجامد. به بیان دیگر، سود بسیار بالای قاچاق کالا موجب شده است ابزارها و

نگهداری، احیاء و استفاده منطقی از موازنه زیست محیطی به هنگام رفع نیازهای انسانی در مورد تغذیه و برآوردن اهداف اقتصادی و اجتماعی؛

ب- حفظ یا احیای جمعیت گونه‌های دریایی در سطوحی که بتواند حد اکثر محصول پایدار و با کیفیت مطلوب را توسط عوامل زیست محیطی و اقتصادی مربوط و با در نظر گرفتن روابط بین گونه‌ها، تولید کند؛

ج- تضمین اینکه گونه‌های دریایی بوسیله بهره‌برداری بیشتر در معرض خطر نیستند؛

د- ترویج توسعه و استفاده از تورهای ماهیگیری انتخابی و شیوه‌هایی که ضایعات را در صید گونه‌های هدف و صید فرعی گونه‌های غیر هدف به حد اقل می‌رساند؛

ه - حفاظت، نگهداری و احیاء گونه‌های دریایی بومی کمیاب و در معرض خطر؛

و - حفاظت از تنوع گونه‌ای و زیستگاه‌های گونه‌های کمیاب و گونه‌های در معرض خطر و نیز اکوسیستم‌های آسیب پذیر.

۲- طرف‌های متعاقد در توسعه پروتکل‌ها به منظور به عهده گرفتن اقدامات لازم برای حفاظت، نگهداری و احیای منابع زنده دریایی همکاری خواهند نمود».

قانون قاچاق کالا و ارز سال ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی سال ۱۳۹۴ نیز پس از رای وحدت رویه شماره ۶۳۲ و در زمان این توافقات بین المللی پذیرش محدودیت صید، به منظور تشدید مراقبت و حفاظت، به تصویب رسیده است چرا که منطقی نیست که یک کشور مانند ایران ممنوعیت مطلق صید را به حد اعلی بپذیرد و کشورهای دیگر که آنان نیز در دریای خزر و منابع آن سهمیم هستند، آزادانه اقدام به صید این ماهیان نمایند. توجه به این امر، پرده از تصریح مقنن در ماده ۲۶ قانون قاچاق کالا و ارز برمی‌دارد و نشان می‌دهد چرا قانونگذار تلاش نموده از رویکرد بینابینی ممنوعیت مگر به اجازه شیلات در قانون حفاظت و بهره برداری از منابع آبی سال ۱۳۷۴ که بی اجازه شیلات، این صید را ممنوع می‌دانست دور شود و «ممنوعیت مطلق قانونی» را بپذیرد.

۹،۴. اثر دیگر این تحول ماهوی بزه صید غیرمجاز ماهیان خاویاری و تعهد بین المللی کشور ما است که به باور نگارنده، سازمان شیلات نیز اینک نمی‌تواند برای صید

کند و از این رو، کارآمدی بیشتری نسبت به نظام عدالت سزادهی محض دارد.

۸،۴. ریشه دیگر این نگرش را باید در انقراض ماهیان خاویاری به سبب با آلودگی دید که در تعهدات بین المللی کشور ما نمود داشته است. پژوهشگران نوشته اند که این ماهیان به سبب آلودگی‌های بیش از حد ناشی از فعالیت‌های نفتی، ورود انواع سموم کشاورزی و فاضلاب‌های صنعتی و خانگی به رودخانه‌ها و دریای خزر در حال انقراض هستند^۵. پس افزون بر صید غیرمجاز و قاچاق این ماهیان در حال انقراض، آلودگی نیز عامل دیگری است برای تشدید حفاظت که در قانون قاچاق کالا و ارز سال ۱۳۹۲ پذیرفته شده است. بر همین بنیاد و اصول، پنج کشور عضو این کنوانسیون، با لحاظ سن بالای بلوغ این ماهیان و رسیدن ذخیره ماهیان خاویاری به پایین‌ترین حد و صید بی رویه در سال ۲۰۱۵، توافق می‌کنند تا ۵ سال ممنوعیت صید را اجرا نمایند و چون این مدت تا پایان سال ۲۰۱۹ به پایان می‌رسید، محدودیت بالا تا پایان سال ۲۰۲۰ تمدید می‌شود^۶. مبنای این توافق، ماده ۱۴ کنوانسیون تهران است (Pourkazemi, 1999) :

«۱- طرف‌های متعاقد توجه ویژه‌ای نسبت به حفاظت، نگهداری، احیاء و استفاده منطقی از منابع زنده دریایی خواهند داشت و تمامی اقدامات لازم را بر اساس علمی ترین مدارک قابل دسترس در موارد زیر به عمل خواهند آورد:

الف- توسعه و افزایش توانائی منابع زنده جهت

^۵ . ماده ۲ «کنوانسیون حفاظت از محیط زیست دریایی دریای خزر» مصوب ۱۳۸۴ که به «کنوانسیون تهران» معروف است و از سال ۱۳۸۵ اجرایی گردیده ۵ چنین آورده است: «هدف این کنوانسیون، حفاظت از محیط زیست دریای خزر از کلیه منابع آلوده کننده از جمله حفاظت، نگهداری، احیاء و استفاده منطقی و پایدار از منابع بیولوژیکی دریای خزر می‌باشد». این کنوانسیون که به درستی به اصول حقوق محیط زیست اعلام احترام نموده است در ماده ۵ ذیل عنوان «اصول» چنین آورده است: «طرف‌های متعاقد در اقدامات خود به منظور نیل به اهداف این کنوانسیون و اجرای مفاد آن، از جمله از طریق اصول زیر راهنمایی خواهند شد: الف - اصل احتیاطی که به موجب آن در صورتی که تهدید جدی یا خسارت جبران ناپذیر به محیط زیست دریای خزر وجود داشته باشد، فقدان اطمینان علمی جامع نمی‌تواند به عنوان دلیلی برای به تعویق انداختن اقدامات مقرون به صرفه برای جلوگیری از خسارت مزبور، مورد استفاده قرار گیرد. ب - اصل پرداخت توسط آلوده کننده، که به موجب آن آلوده کننده هزینه‌های آلودگی از جمله جلوگیری، کنترل و کاهش را به عهده می‌گیرد. ج - اصل دسترسی به اطلاعات مربوط به آلودگی محیط زیست دریایی دریای خزر، که طبق آن طرف‌های متعاقد حد اکثر اطلاعات ممکن مربوط را در اختیار یکدیگر قرار می‌دهند».

^۶ برای دیدن گزارش رئیس سازمان شیلات رک: رییس سازمان شیلات ایران: ممنوعیت صید تجاری ماهیان خاویاری تا پایان سال ۲۰۲۰ تمدید شد، خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی ایران، ایرنا، کد خبر ۸۳۶۱۶۷۶۴ مورخ ۱۱ دی ماه سال ۱۳۹۸.

توسعه و ترویج می‌دهد.

۲،۵. میان تحولات حقوق ایران در پیشا صدور رای شماره ۶۳۲ و پسا این رای، تشابه نیست. چنین به دیده می‌رسد که رشد مطالعات آسیب‌شناسانه در حوزه شیلات و محیط زیست از یکسو، و ارزیابی نوع نگاه به جرم صید غیرمجاز از سوی دیگر، حقوق ایران را به سوی بازنگری حقوق ماهیان خاویاری در قانون قاچاق کالا و ارز برد؛ ممنوعیت مطلق در سیاق قاچاق کالای ممنوع نمود یافت. به این توجه و همت ملی باید همسویی حقوق ملی ایران با حقوق کنوانسیون را افزود. حقوق و تعهدات کنوانسیون دریای خزر که به سال ۱۳۸۴، که در ماده ۲ آن آمده چیزی بیش از ممنوعیت مشروط به اجازه شیلات را فرا روی نظام حقوقی ایران نهاد. تحقق «هدف این کنوانسیون» یعنی «حفاظت از محیط زیست دریای خزر از کلیه منابع آلوده کننده از جمله حفاظت، نگهداری، احیاء و استفاده منطقی و پایدار از منابع بیولوژیکی دریای خزر» خویشتن را بر گرده کشورهای عضو کنوانسیون قرار می‌دهد.

۳،۵. رای وحدت رویه شماره ۶۳۲ نشان داد که خطر جدی انقراض تاس‌ماهیان و قرارگرفتن آن‌ها در فهرست قرمز، در کنار آلودگی فزاینده دریای خزر و صید غیرمجاز سه پایه نگاه ملی و بین‌المللی به این ماهیان را تشکیل می‌دهند که هیچ اتکالی به این سه پایه با لغزش هر یک ممکن نیست. این نتیجه نشان می‌دهد دانشمندان علم شیلات می‌توانند به بازخورد مطالعات و تحقیقات خود در قوانین و مقررات تا اندازه‌ای خوش بین باشند و چشم داشته باشند به پذیرش رویکردهایشان در قوانین و مقررات حفاظت و حمایت. از سوی دیگر، رای شماره ۶۳۲ نشان می‌دهد که حقوقدانان نیز نباید و نباید به سیمای دستوری و تجویزی دانش حقوق بسنده کنند. آنان باید پیش رفته و حقیقت شمار، وضعیت، امنیت ماهیان خاویاری را که مورد پژوهش دانشمندان علوم شیلات است ببینند و با گسترش نگاه به محیط زیست دریای خزر و زیستگاه جانوران آن دریا، به نقد و بررسی قوانین و مقررات و واکاوی رای‌های قضایی بپردازند و در مسیر حفاظت ملی و بین‌المللی حرکت کنند.

۴،۵. به هر روی، رای وحدت رویه شماره ۶۳۲ با همه کوتاهی و اقتصار در بیان، برگی است برنده در دست سازمان شیلات برای حضور در عرصه بین‌المللی

این ماهیان هرگونه مجوزی صادر کند مگر برای تحقیقات و تکثیر به نحوی که به هیچ روی مصداق صید نباشد. به ویژه این که همه پنج گونه تاس‌ماهیان دریای خزر، در فهرست قرمز سال ۲۰۱۰ «اتحادیه بین‌المللی حفاظت طبیعت» (IUCN) قرار دارند و کشور ما نمی‌تواند به این خواست بین‌المللی بی‌توجه باشد و چیزی از شدت حمایت بکاهد. وانگهی، الزامات جهانی برخاسته از «کنوانسیون تجارت بین‌المللی گونه‌های حیوانات و گیاهان وحشی که در معرض نابودی قرار دارند» منعقد شده در سال ۱۹۷۳ که کشور ما نیز بدان در تاریخ ۱۳۵۵/۴/۱۶ به موجب قانون، الحاق شده است چنین حمایتی را ایجاب نموده است تا جایی که می‌شود گفت، صید ماهیان خاویاری که در فهرست قرمز هستند سیاه-ترین نوع تجارت است که باید با آن از نگاه حقوقی به شدیدترین وجه مقابله نمود. از این رو، رویکرد شدیدتر قانون قاچاق کالا و ارز در سال ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی را باید رویکردی موافق با حقوق و تعهدات کنوانسیون کشور ما دانست.

۱۰،۴. با این وصف، چنین به دیده می‌رسد که در این ایام که صید بر بنیاد حقوق کنوانسیون و حقوق ملی، ممنوع است، رکن دیگر حفاظت، پایش مداوم کناره‌هایی است که بستر و زیستگاه اصلی این ماهیان است تا چنانچه عمدا یا اتفاقا صیدی روی دهد، با آن برخورد شود. گرچه گفته شد، عوائد صید غیرمجاز در حقوق ملی به خزانه واریز می‌شود ولی، بر نگارنده معلوم نیست که عوائد صید غیرمجاز و ممنوع در زمان ممنوعیت بین‌المللی، در صورت برخورد قضایی متعلق به کیست. آیا می‌شود از صندوقی بین‌المللی برای هزینه کرد عوائد صید غیرمجاز سخن گفت که بتواند با این منافع، گامی بلندتر برای حفظ و حراست از این ماهیان بردارد؟

۵. نتیجه گیری نهایی

۱،۵. حقوق ماهیان و به ویژه حقوق ماهیان خاویاری امروز از نیاز ملی شدن گذر کرده و به یک ضرورت بین‌المللی شدن رسیده است. روزگاری قطع دست بیگانگان در این صنعت اولویت ملی بود که محقق شد اما، امروز داده‌های دانشمندان شیلات و محیط زیست دریای خزر، پای به عرصه نهاده و فکر بین‌المللی را در عمل محلی

بیشتر و گسترش نظارت اثر دارد. دانشمندان این علوم می‌توانند در دیده داشته باشند که گرچه تعداد بالای مواجهه قضایی موجب تعارض رای‌ها و طرح موضوع در هیات عمومی دیوان عالی کشور می‌شود که با رای این هیات یکنواخت سازی می‌شود و ساز و کار حقوقی به پایان می‌رسد ولی، در علم شیلات و محیط زیست این خود سرآغاز توجه و نگاه و مطالعه است. رای شماره ۶۳۲ می‌تواند با ترسیم محل بررز اختلاف مبنای رای، توجه این دانشمندان را به خود جلب نماید.

حفاظت از ماهیان دریای خزر چرا که به خوبی اراده جدی عالی ترین مرجع قضایی را در عرصه ملی برای مخاطبان بین المللی به نمایش می‌گذارد. این آورده ارزشمندی در حقوق بین الملل دریای خزر است. ۵.۵. این رای به یک واقعیت دیگر نیز توجه دارد. محل وقوع بزه صید غیرمجاز که در استان گلستان بروز نموده است. از نگاه حقوقی محل جغرافیایی یک رفتار ممنوع یا غیرمجاز نخستین موضوع تحلیل و بررسی نیست. در حاشیه یک رفتار مجرمانه به محل و شیوه وقوع و شرایط جغرافیایی پرداخته می‌شود تا احیاناً عوامل تسهیل کننده رفتار مجرمانه پاییده شود. با وجود این، چنین به دیدگان می‌رسد که در علوم شیلات و محیط زیست، شناخت محل جغرافیایی بروز یک پدیده، در توجه

۶.

References

منابع

- Abdoli, M., Jalili Ghazizadeh, M., 2007. Evaluating The Ability of New Waste Management Technologies to Adapt in our Country, *Environmental Studies* 33(42), 51-62.
- Alinejad, S.M., Gorgin, S., Joolaei, R., Ghorbani, R., Peighambari, S.Y., Jahangir, M., 2017. Identifying Factors Involved in Illegal Fishing in the Southwestern Caspian Sea, *Journal of Fisheries* 70(2), 161-169.
- Babran, S., Ghamkhar, A. 2007. The Sturgeon Caviar of the Caspian Sea is on the verge of extinction, *Scientific Research Journal of Rahbord* 43(6), 201-215.
- Dabiri, F., Azadbakht, B., Review of The Executive Mechanism of The Cites Convention In The Field Of Legal Status Of Iran With The Purpose Of Conservation of The Endangered Species, *Journal of Environmental Science and Technology* 12(4), 59-69.
- Darai, H. 2000. The Sturgeon Caviar of Mazandaran Sea is going to Museum, *Gozaresh Journal*, No. 117, 68.
- Ebrahimzadeh, F. 2015. Nationalizing the Fisheries; Second Step after Oil Nationalizing, Available from tarikhirani.ir/fa/news/5390 (visited date: 09/04/2020) .
- Feizabadi, Y., Gholamnejad, M. Ramezani, M. 2009. Study of Effective Factors on Caviar Export in Iran, *Journal of Agricultural Economic Research* 1(4), 1-16.
- Gessner, J., Chebanov, M. & Freyhof, J. 2010. Huso huso. The IUCN Red List of Threatened Species 2010: Downloaded on 17 June 2020.
- Gessner, J., Freyhof, J. & Kottelat, M. 2010. Acipenser persicus. The IUCN Red List of Threatened Species 2010.
- Gessner, J., Freyhof, J. & Kottelat, M. 2010. Acipenser gueldenstaedtii. The IUCN Red List of Threatened Species 2010.
- Gessner, J., Freyhof, J. & Kottelat, M. 2010. Acipenser nudiventris. The IUCN Red List of Threatened Species 2010.
- Qiwei, W. 2010. Acipenser stellatus. The IUCN Red List of Threatened Species 2010.
- Karamirad, N. 2019. The 26 sturgeon farms are active in the country, IRNA NEWS AGENCY, Available from www.irna.ir/news/83348656/ (16/04/2020).
- MehrYousefi, E., Esmaeilpour, R., Ramezani, M. 2019. Identification and Prioritization of Advantages and Risks, Reproduction and Sturgeon Farming (Case Study: Caspian Sea Farms), *Journal of Fisheries* 71(4), 401-407.

- Meimandinejad, M. 1980. Bridle to Caspian Sea Pollution, *Environmental Studies*, Vol. 9, No. 9, 51-62.
- Opinion No 1923/94/7-04/10/2015; in: Shahheidaripour, M., Rafiei, A. 2016. Consultative Opinions of Legal Directorate of Judiciary, Tehran: Judiciary Publication Center. 45.
- Partow, A. 2011, History of Fisheries in Guilan, Tehran: Farhang Iliya.
- Pourkazemi, M. 1999. Live Resources in Caspian Sea & The Convention for the Protection of the Marine Environment of the Caspian Sea *Journal of Central Asia* 1\ (1), 1-20.
- Pourkazemi, M. 2001. Caspian Sea: History of Strogen Caviar Industry, *Journal of Central Asia and Caucasus Studies* 36(1), 119-132.
- ShabanaliFami, H. & Abdollahzadeh, Q. 2006. Exploitation System of Aquatic Animals in South (Persian Gulf and Oman Sea), *Jihad Bimonthly Journal* 274(1), 239-252.
- Sharif Rouhani, M. Karimi, D. 2016. A Review Sustainable Development Strategies Sturgeon in The Caspian Sea, *Iranian Scientific Fisheries Journal* 24(4), 45-53.
- Stratford, E. 2004. Think Global, Act Local. In R. White (Ed.), *Controversies in Environmental Sociology*, Cambridge: Cambridge University Press. doi:10.1017/CBO9780511804434.010, pp 150-167.
- Commercial Studies. 1995. Strogen Caviar the Valuable Perl of Caspian Sea, *Commercial Studies*, 20 (101), 32-37.
- Yasini, I. 1974. Origin of Animals and Plants of Caspian Sea and their Developments, *Journal of Environment Studies* 2(۲), 169-174.